



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

روز گذشته یک خبر جالب روی خروجی برخی از رسانه‌ها قرار گرفت که براساس آن از این‌به‌بعد موتورسواران متخلف، مشمول مجازات‌های جایگزین خواهند شد.

محمدحسین حمیدی، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی پایتخت در نشست خبری روز گذشته خود به اجرای طرح

«موتورپار» در راستای ساماندهی موتورسواران اشاره کرد و اظهار داشت: «این طرح در ابتدا در ۱۰ نقطه از تهران اجرا شد و بعد به ۶۰ نقطه گسترش یافت و درصورت نتیجه مطلوب، احتمالاً به شهرها و نقاط دیگر هم ارتقا می‌یابد. برخورد با موتورسیکلت‌سواران سابقه‌دیرینه‌ای دارد اما هیچ‌وقت این برخوردها باعث نشد موتورسیکلت‌سوار متخلف متنبه شود؛ به همین منظور ما با همکاری دستگاه‌های مختلف مجازات‌های جایگزینی را به جای توقیف و انتقال به پارکینگ در نظر گرفته‌ایم. این طرح

از هفته گذشته به‌طور جدی درحال اجراست؛ در ابتدا طرح فقط از ساعت هفت صبح تا ۱۰ صبح اجرا می‌شد و درحال حاضر به‌صورت ۲۴‌ساعته اجرا می‌شود. مجازات جایگزینی که برای موتورسوار متخلف در نظر گرفته شده، این است که او کاور پلیس را پوششیده و با کمک به پلیس سر چهارراه‌ها انجام‌وظیفه می‌کند. موتورسواری که پنج جریمه ممنوعه موتورسیکلت را مرتکب شود، متوروش «همان‌جا» توقیف می‌شود؛ بر تن او لباس پلیس می‌پوشانیم و به‌نوعی این فرد کمک به مامور پلیس می‌کند تا به نحوی

درباره مطالبه خدمات اجتماعی از بزهدکاران به جای حبس‌های سنگین

عبور از نظام تنبیهی، ورود به نظام اصلاحی در دستگاه قضا

از دو تا ۱۲ ساعت کنار مامور در سر چهارراه‌ها پست دهد.، اینکه اجرای چنین طرحی چقدر می‌تواند موثر واقع شود، هنوز مشخص نیست و نمی‌توان در رابطه با آن خیلی به قاضی رفت، منتها اینکه مدل مواجهه قبلی و توقیف موتورسیکلت‌ها نتوانسته‌ آتطور که باید بر رفتار رانندگان موتورسیکلت‌ها اثر بگذارد، کاملاً عیان است و مسئولان نیز به آن اشاره دارند. در همین رابطه، هم ناظر به این تصمیم جدید و هم ماجرای مجازات‌های جایگزین، به نکاتی در ادامه اشاره خواهیم کرد.

فرهنگ‌سازی شود. از دو تا ۱۲ ساعت قانون به پلیس اجازه داده موتورسیکلت‌سوار متخلف را به کارگیری کند اما الان نهایت زمانی که فرد متخلف در اختیار پلیس است، صبح تا عصر است. اگر موتورسیکلت‌سوار اعلام کند که من نمی‌خواهم سر چهارراه به پلیس کمک کنم و به جای این رفتار موتور من را توقیف کنید، پلیس موتور را توقیف و به پارکینگ منتقل می‌کند. در مجازات جایگزین ما تنها با راننده موتورسیکلت (موتورسیکلت‌سوار) سروکار داریم. فرد راننده باید کاور بر تن کند. راکت ایست دست بگیرد

تبعات اجتماعی کمتر اثرگذاری بیشتر

با یک جست‌وجو پیرامون مجازات‌های جایگزین، ابتدا به مجازات‌های جایگزین حبس برمی‌خوریم که در سال ۹۲ به‌منظور کاهش حبس و افرادی که زندان می‌روند به وجود آمد. البته مساله موردتوجه ما در ارتباط با مجازات‌های جایگزین حبس نیست، اما به‌نوعی اقدام اخیر پلیس هم در همان راستا و با تاسی از آن انتخاب و اجرایی شده است. بنابراین بد نیست ابتدا بررسی مختصری در ارتباط با این نوع از مجازات‌ها داشته باشیم. در توضیحات و تفاسیر مجازات‌های جایگزین حبس آمده است: «قانونگذار در سال ۹۲ به‌منظور کاهش حبس و افرادی که زندان می‌روند، نهاد جدیدی تحت‌عنوان مجازات جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی و مقرر کرد در صورت وجود شرایط خاص، مجازات‌های حبس می‌تواند یا باید به مجازات‌های دیگری تبدیل شود. مجازات‌های جایگزین حبس طبق ماده ۶۴ ق.ا.م.ا عبارتند از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی. تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های جایگزین در پاره‌ای موارد الزامی و در پاره‌ای موارد اختیاری و درواقع بسته به نظر قاضی است. به‌موجب ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی تعیین مجازات جایگزین حبس منوط به گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف مجازات است. لکن هیات عمومی دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت‌رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ این ماده را به این نحو تفسیر کرد که در موارد الزامی تبدیل مجازات جایگزین حبس، گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف مجازات ضرورت ندارد و مجازات حبس مجازات جایگزین تبدیل شود. الف- جرائم عمدی؛ در جرائم عمدی که مجازات اصلی آنها تا سه ماه حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین اجباری است. در جرائم عمدی که مجازات اصلی آنها ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین در صورت نبود موانع مندرج در قانون، اجباری است. در جرائم عمدی که مجازات اصلی آنها ۶ ماه تا یک‌سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین در صورت نبود موانع مندرج در قانون، اختیاری است. در جرائم عمدی که مجازات اصلی آنها بیش از یک‌سال حبس است، درصورتی که دادگاه حبس را به کمتر از یک‌سال تخفیف دهد، تبدیل حبس به مجازات جایگزین ممنوع است و در غیر این صورت اختیاری است. در صورت تعدد جرائم عمدی با مجازات بیش از ۶ ماه حبس، تبدیل حبس به مجازات جایگزین ممنوع است. در جرائم غیرعمدی که مجازات اصلی آنها کمتر از دو سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین الزامی است. در جرائم غیرعمدی که مجازات اصلی آنها بیش از دو سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین اختیاری است. در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، قاضی نمی‌تواند حکم به جایگزین حبس صادر کند. قاضی در صورت صدور حکم به مجازات جایگزین حبس، میزان حبس اولیه را هم در حکم ذکر می‌کند تا اگر اجرای مجازات جایگزین امکان‌پذیر نشود یا محکوم علیه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، مجازات اصلی (حبس) اجرا شود.» با توجه به این مساله به‌علاوه آنچه روز گذشته در ارتباط با آن موتورسواران متخلف تصمیم‌گیری شد، می‌تواند بی‌اثر بودن برخی مجازات‌ها را تا حدی جبران کند. به‌هرحال این روزها و در این شرایط اقتصادی و معیشتی، بسیاری از افراد هزینه معاش خود و خانواده‌شان را با کارکردن با موتورسیکلت‌ها تأمین می‌کنند و اگر قرار باشد این وسیله هم توقیف شود، آثار و تبعات سوئی بر روند زندگی آنها خواهد گذاشت و شاید این مدل برخورد و مجازات، تبعات اجتماعی سبک‌تر به‌علاوه اثرگذاری بیشتر روی عدم‌تکرار وقوع تخلفات داشته باشد.

نظام تقنینی و نظام قضایی کشورها از نظام تنبیهی به نظام اصلاحی روی آورده‌اند

در ادامه و در گفت‌وگو با رسول کوهپایه‌زاده، حقوق‌دان و وکیل پایه‌یک دادگستری به تحلیل و تشریح چنین اقداماتی هم از منظر قانونی و هم اجتماعی پرداختیم. او به «فرهیختگان» گفت: «ازجمله اهدافی که برای اعمال مجازات بیان شده اجرای عدالت و جنبه بازدارندگی و جلوگیری از تکرار جرم و جبران خسارات وارده به جامعه و بزه‌دیده و همچنین امکان بازپروری و تنبه مجرم است. رویکردهای جدید جرم‌شناسی و کیفرشناسی و سیاست جنایی مبنی‌بر بهبود و اصلاح درمان مجرمان و بازپروری و توانبخشی و بازپذیری اجتماعی مجرمان و مجرمان است. این رویکرد جدید تأثیرات عمیقی بر نحوه صدور رأی قضایی و تعیین مجازات‌ها و اعمال مجازات‌ها و همچنین بر ساختار قوانین کیفری و جزایی داشته و درواقع نهایتاً بر ناکارآمدی مجازات حبس تأکید کرده است. رویکردهای نوین جرم‌شناسی که با مطالعات عمیق جامعه‌شناسی همراه بوده به زندان و حبس به‌عنوان آخرین حربه نگاه می‌کند و به‌دنبال کاهش هزینه‌های مادی و معنوی تحمیلی بر فرد محکوم و خانواده و جامعه بر اثر اعمال مجازات حبس است. بررسی‌ها و مطالعات در نظام‌های حقوقی و کیفری مختلف در دنیا به این نتیجه رسیده که مجازات حبس علی‌الغالب جنبه‌های منفی داشته و موجبات بروز فساد آن بیشتر از جنبه‌های مثبت و اصلاحی و ترمیمی و بازدارنده است. به‌عبارت دیگر نظام تقنینی و نظام قضایی کشورها با فاصله گرفتن از نظام تنبیهی به نظام اصلاحی روی آورده‌اند و در این راستایکی از ابزارهای جدی و عوامل اصلی جهت تحقق این اهداف اعمال مجازات‌های جایگزین حبس است. بررسی‌ها و تجربیات نشان داده فضای زندان زمینه‌ساز بروز و فراهم آوردن شرایطی برای تبدیل یک مجرم معمولی به یک مجرم حرفه‌ای است یعنی محیط زندان بالقوه بستری برای جرم‌زا بودن و افزایش احتمال ارتکاب اقدامات مجرمانه‌آتی از سوی زندانیان بعد از آزادی از زندان است، به‌عبارتی این صحبت را زیاد شنیده‌ایم که زندان برای زندانی‌ها دانشگاهی برای افزایش اطلاعات و آگاهی‌های مجرمانه است. موضوع دیگر این است که زندان تأثیر منفی فراوانی بر خانواده زندانی دارد، یعنی درواقع عامل اصلی فروپاشی نظام خانواده درخصوص برخی زندانیان همین اعمال مجازات حبس است. هم خانواده متأثر از این اعمال مجازات می‌شوند و در مضیقه و مشقت مالی و معیشتی و اقتصادی قرار می‌گیرند که به نوبه خود زمینه‌ساز بروز برخی آفات و اعمال مجرمانه می‌تواند باشد و هم تأثیرات منفی که بر روحیات اعضا و فرزندان خانواده می‌گذارد به لحاظ اجتماعی تخریب و آسیب‌فراوانی به جامعه در آینده تحمیل می‌کند. هزینه نگهداری و ایجاد امکانات در زندان که هزینه از جیب دولت و مردم تأمین می‌شود در واقع خسارت سنگین اقتصادی را به جامعه تحمیل می‌کند که همین هزینه و مخارج را اگر در زمینه اصلاح و بازپروری و اقدامات پیشگیرانه انجام دهیم، تأثیرات بهتر و بیشتری است. از دیگر موارد منفی اعمال مجازات حبس مشکلات بهداشتی و درمانی و روانی است که برای محبوسین و مجرمان به وجود می‌آید. موضوع دیگر این است که با زندان رفتن و زندانی شدن مجرم در بسیاری از پرونده‌های اقتصادی امکان جبران خسارت بزه‌دیده و پرداخت بدهی و طلب طلبکاران عملاً منتفی می‌شود. همه این نکات و موارد منفی باعث شده هم نظام تقنینی و هم نظام قضایی به‌دنبال اعمال مجازات جایگزین حبس باشد، با توجه به آثار منفی و آفاتی که اعمال مجازات حبس دربردارد.»



گزارش

به کوهنوردان هشدار جدی نداده بودند

این چندروز حتماً اخبار تلخ جان‌باختن تعدادی از هموطنان مان در جریان صعود به قله تهران را شنیده‌اید؛ ماجری که تا الان حدود ۱۱ نفر از کوهنوردان جان خود را از دست داده‌اند. درجریان این اتفاق و در همین چندروز اخیر اظهارات و ادعاهای مختلفی پیرامون علل این اتفاق صورت گرفته است و رسانه‌ها هرکدام از ظن خود نسبت‌به‌آن واکنش نشان داده‌اند و مسئولان هم طبق روال همیشگی تمام تلاش خود را کرده‌اند تا تصور احتمالی را سه گردن یکدیگر بیندازند. یکی می‌گوید مقصر اصلی شهرداری است، آن یکی فدراسیون کوهنوردی را متهم می‌کند و یکی هم می‌گوید که هلال احمر هم مسئولیتی برعهده داشته و به‌آن عمل نکرده است. با این اوصاف اما آنچه واضح است و می‌توان به آن خرده گرفت، شاید در وهله اول عدم اطلاع‌رسانی مناسب نسبت به احتمال وقوع چنین فاجعه‌ای است. در موارد و بلاای مشابه وقوع همین، مثل سیل و زلزله هم چنین بی‌تفاوتی‌ها و عدم اطلاع‌رسانی‌های مناسب بارها و بارها دیده‌شده و می‌شود. درنهایت هم البته کسی مسئولیتی را نمی‌پذیرد و زمان همه چیز را در خود حل می‌کند! این بار هم چشم ما آب نمی‌خورد تغییر رویه‌های موجود ایجاد شود و این آخرین باری باشد که شاهد چنین اتفاقاتی باشیم.

فدراسیون کوهنوردی باید اطلاع‌رسانی و نیروی انتظامی باید ممانعت می‌کرد

با این همه گفت‌وگوی کوتاهی با محمد درویش، فعال و پژوهشگر حوزه محیط‌زیست انجام دادیم. درویش در ارتباط با این ماجرای دردناک به «فرهیختگان» گفت: «چون صعود یک فرآیند کاملاً حرفه‌ای و تخصصی است دستگاه تخصصی که باید نظرسر بدهد که در چنین شرایطی امکان صعود و کوهنوردی وجود دارد یا خیر، فدراسیون کوهنوردی است. یعنی فدراسیون کوهنوردی نمی‌تواند از مسئولیت‌های خود شانه خالی کند. آن دستگاه بود که با توجه به شرایطی که دامنه‌های جنوبی البرز و منطقه توجال و شمال تهران داشته باید اعلام می‌کرد که نباید جمعه هیچ صعودی به کلک‌چال با این ماجرای دردناک به «فرهیختگان» گفت: «چون صعود می‌کرد آن وقت مامسوران نیروی انتظامی جلوگیری کنند. مامورین شهرداری قدرت اجرایی ندارند ولی نیروی انتظامی را باید همراه می‌کردند. نیروی انتظامی در گلوگاه درکه، دربند، پارک جمشیدیه و دارآباد اجازه نمی‌داد کوهنوردان بروند. آن هم با حالت محترمانه و با بروشور این اقدام انجام می‌شد. این که بخواهند فراقکنی کنند درست نیست. واقعیت این

جامعه

سه‌شنبه ۹ دی ۱۹۹ شماره ۲۲۰



صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانجانی - **سردبیر:** مسعود فروغی **دفتر مدیرمسئول:** ۱۶، ۶۳۴۸۰ - **تحریریه:** ۱۸۲-۰۱۸-۶۶۷۱ - **فکس:** ۰۵۱-۶۷۱۶۷۱-۶۷۱۶۷۱ **روابط عمومی:** ۰۴۹۹-۶۶۷۱ - **سازمان آگهی‌ها:** ۱۸ و ۰۴۱-۶۶۷۱ **چاپ:** چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی - **توزیع فرهیختگان:** ۱۲-۱۱-۶۶۳۸۸ **نشانی:** خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، رویروای ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

در حاشیه

سند تحول قضایی به احیای برخی ماموریت‌های مغفول‌مانده قوه قضائیه می‌انجامد

محمدصالح جوکار با اشاره به ابلاغ سند تحول قضایی، اظهار داشت: «اجرای سند تحول قضایی حتماً باعث تمرکز بر احیای برخی ماموریت‌های مغفول‌مانده قوه قضائیه به‌ویژه ماموریت «احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» خواهد شد.»

وی با بیان اینکه اجرای سند تحول قضایی منجر به «نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور» خواهد شد، افزود: «بحمدالله با آغاز کار رئیسری در دستگاه قضایی، هر روز شاهد بروز یک تحول مبارک و مطلوب در حوزه قضایی کشور هستیم و امیدواری مردم نیز نسبت به احقاق حقوق‌شان افزایش یافته است. رئیسری به‌خوبی در موضوع احقاق حقوق شهروندی، پاسخگو کردن مدیران کشور و جلوگیری از کم‌کاری‌ها در حوزه کاری و مسئولیت‌کاری‌شان ورود پیدا کرده است و این سند نیز نویددهنده اتفاقات میمون و مبارکی در آینده است.» نماینده‌یزد در مجلس با اشاره به اینکه اجرای سند تحول قضایی قطعاً باعث جهش جدی در حوزه رسیدگی به امور حقوقی و قضایی مردم خواهد شد و دل‌نگرانی‌های مردم را برطرف خواهد کرد، بیان داشت: «سند تحول قضایی به ایجاد نقطه اعتماد کامل مردم به قوه قضائیه و دقت در احکام صادره می‌انجامد.»

جان خود را از دست دادند آدم‌های فریخته و مسئولیت‌پذیر بودند. اگر می‌دانستند این کار منق‌شد این کار را نمی‌کردند ولی هیچ اطلاع‌رسانی‌ای نشده بود. اینکه احتمال این خطر بزرگ را مدیریت بحران تهران بیان کرده در لینک خبرگزاری یا صداوسیما وجود دارد؟ هیچ اطلاع‌رسانی‌ای انجام‌نشد، چون خرداد بهمن در دامنه جنوبی توجال رخداد عجیبی است. من به یاد نمی‌آورم. در دامنه شمالی زیاد اتفاق افتاده است ولی در دامنه جنوبی رامن به یاد نمی‌آورم. معمولاً حجم عظیم برف در دامنه‌شمالی اتفاق می‌افتد و یکباره هوا پاییز دست گرم می‌شود و برف حرکت می‌کند. این بار این اتفاق داد و همه نیز غافلگیر شدند. اینکه راست بگویند این امری پیش‌بینی نشده بود، بهتر از این است که بگویند من مقصر نبوده‌ام. در کشورهای پیشرفته نیز این نوع حوادث اتفاق می‌افتد و تلفات می‌دهد. این اتفاقی نیست که بخواهیم سیاه‌نمایی کنیم. اگر دوستان این را بیان می‌کردند که در آمارهای اقلیمی ۳۰ سال اخیر این اتفاق سابقه‌نداشته و کسی را پیش‌بینی نمی‌کرد بهتر بود. این هم مانند سیل، زلزله... یکباره اتفاق افتاده است. یک‌زمانی می‌گویند دامنه جنوبی البرز بهمن خیزاست. مرتب‌تر ادی‌ماه‌شند پنج تا ۱۰ خرداد بهمن هستیم. پس طبیعی است که دی‌ماه صعود به کوهستان اتفاق نیفتد ولی چنین چیزی نبوده است. در کدام‌ماه دی در این سال‌ها این امر گفته شده است؟ هفته‌های گذشته من نیز این مسیر را بالا می‌رفتم. این هفته سفر بودم و گرزه من هم صعود کرده بودم.»

است که تعداد روزهای اندکی از سال چنین برف سنگینی را شاهد هستیم و احتمال ریزش بهمن وجود دارد که ممکن است با چنین منعی روبه‌رو شویم. در ۳۰-۲۰ سال گذشته به یاد ندارم بهمن شدیدی آمده باشد و چنین فاجعه‌ای اتفاق افتد. این نگرانی که ما محدودیت برای شهروندان ایجاد می‌کنیم هم درست نیست. اینها روزها و ساعات محدودی است و نارضایتی ایجاد نمی‌کرد. این که دوستان نگران این بودند که این امر نارضایتی ایجاد می‌کرد، رد می‌شود و مقصر اصلی را فدراسیون کوهنوردی می‌دانم و اینکه اعلام‌نشد. رسانه‌ها باید پنجشنبه در بخش‌های ویژه خبری اعلام می‌کردند با توجه به جو ملتهبی که وجود دارد بهتر است جمعه کسی صعود نکند و نیروی انتظامی را هماهنگ می‌کردند تا جلوی افرادی که اخبار را گوش نکردند گرفته شود.»

بگویند این اتفاق پیش‌بینی نشده بود بهتر از آن است که تقصیر را به گردن هم بیندازند

درویش در واکنش به ادعای برخی مسئولان مبنی بر اینکه اطلاع‌رسانی صورت گرفته بود و حتی در پای کوه‌ها هم ممانعت به عمل آمده بود و خود کوهنوردان به توصیه‌ها گوش نکردند، گفت: «شما تصور می‌کنید رضوانی، استاد دانشگاه تهران (از صعودکننده‌ها) از کسانی است که مسیر را دور بزند یا توجهی به تذکرات نکند؟ به ایشان می‌گفتند این کار غیرقانونی است و بعد اهمیتی ندهد؟ من بعد می‌دانم. اکثر این افرادی که